

کارگران ایرانی در جنگ داخلی روسیه

محمد صفوی

محمد صفوی



بازخوانی یک سند تاریخی



سربازان ارتش سرخ روسیه در جنگ داخلی، عکس برگرفته از کتابخانه‌ی کنگره‌ی آمریکا، واشنگتن

دی.سی

تقدیم‌نامه

بازخوانی سند کارگری حاضر را تقدیم می‌کنم به هزاران کارگر و صنعتگر مهاجر ایرانی زن و مرد که از اوایل قرن نوزده تا ابتدای قرن بیستم به دلایل گوناگون سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و اوضاع مرگبار ایران به اجبار تن به مهاجرت و فرار از «ممالک محروسه ایران» دادند. آنها در شرایطی طاقت‌فرسای بهره‌زده از ابتدایی‌ترین حقوق در قفقاز و آسیای مرکزی در روسیه تزاری و ترکیه عثمانی کار کردند. با خیزش حرکت‌های انقلابی در روسیه، در پیوند با سوسیال‌دموکرات‌های قفقاز و مناطق نفتی باکو، با مبارزات حق‌طلبانه‌ی کارگری آشنا شدند. در اعتصاب‌ها و مبارزات کارگری در همبستگی با کارگران و زحمتکشان روس و دیگر ملیت‌ها شرکت کردند و به دفاع از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ برخاستند و در جنگ‌های داخلی روسیه در دفاع از انقلاب شرکت کردند.

پیش از آن، در آستانه‌ی انقلاب مشروطیت ایران، بسیاری از این مهاجران متشکل و سازمان‌یافته برای شرکت و تأثیر تأثیرگذاری در پیشبرد انقلاب مشروطیت و مبارزه علیه حاکمیت استبدادی به زادگاه خود بازگشته بودند و همزمان تجارب و آموخته‌های کارگری خود را در آستانه‌ی انقلاب مشروطیت به جنبش نوپای کارگری در ایران منتقل و جنبش مدرن کارگری را در ایران پایه‌ریزی کردند « یادشان گرامی!

مقدمه

متنی که در ادامه خواهد آمد با عنوان «شرکت کارگران ایرانی در جنگ داخلی روسیه» نوشته‌ی «و. ن. پلاستون» است. این متن توسط «ف. ک. گیلانی» به فارسی ترجمه شده است. این سند تاریخی برگرفته از آرشیو شخصی زنده‌یاد دکتر خسرو شاکری (زند) (۱۳۱۷-۱۳۹۴) تاریخ‌نگار و استاد تاریخ مدرسه‌ی عالی مطالعات علوم اجتماعی پاریس است. این متن توسط دکتر پیمان وهاب‌زاده برای نشر در اختیار قرار گرفته است. متن اصلی که در پی مقدمه و پیشگفتار خواهد آمد از روی نسخه‌ای که توسط دکتر خسرو شاکری یا گیلانی با خط قرمز ویرایش و اصلاح‌شده بازنویسی شده است. نسخه‌ی اصلی این متن نیز در ضمیمه است.

نکاتی در مورد نویسنده و مترجم

در یادداشت و توضیحات تکمیلی دکتر وهاب‌زاده، در مورد نویسنده و مترجم این سند کارگری آمده است:

«این متن را در اسناد گسترده‌ی خسرو شاکری درباره‌ی حزب کمونیست ایران یافتیم، اسنادی که پروفیسور شاکری از آرشیو حزب کمونیست اتحاد شوروی در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ و در زمان کوتاهی که این آرشیوها برای پژوهشگران قابل دسترسی بود، برگرفته بود. این متن در یک پرونده و در کنار متن‌های روسی بود. پس از تحقیق‌های اینترنتی در کاتالوگ کتابخانه‌های روسیه نسخه‌ی منتشرشده‌ی این متن را در ماهنامه‌ی «خلق‌های آفریقا و آسیا» (سال ۱۹۷۲) یافتیم، که مشخصات منبع آن برای علاقمندان چنین است:

IRANSKI TRUDIASHCHIESIIA V GRAZHDANSKOI VOINE
V ROSSII

Plastun V.N.

Народы Азии и Африки. 1972. Т. 2. С. 57.

جست‌وجوی نام نویسنده «و. ن. پلاستون» در اینترنت روشن کرد که ایشان ولادیمیر ن. پلاستون، پروفیسور خاورشناسی در دانشگاه دولتی نویسیبرسک در روسیه و متخصص افغانستان است. و نیز در جست‌وجوی اینترنتی به فارسی منبعی یافت نشد که نشان دهد این متن پیش‌تر به فارسی منتشر شده باشد، هر چند ممکن است در نشریه‌های چاپی منتشر شده باشد، که خود نیازمند جست‌وجوی دیگری است.

اما مترجم این متن با نام «ف. ک. گیلانی» به احتمال بسیار فریدون کشاورز (۱۲۸۶-۱۳۸۵)، زاده‌ی رشت و عضو پیشین حزب توده ایران بوده است. فریدون کشاورز پس از ترور نافرجام محمدرضا شاه در سال ۱۳۲۷ به دستور هیئت اجرایی حزب توده به شوروی مهاجرت کرد و در مدارس عالی حزبی و آکادمی علوم اجتماعی مسکو تحصیلاتش را به پایان رساند و به زبان روسی چیره بود. با این همه نمی‌دانیم که این مقاله چگونه به دست مترجم رسیده است.

گفتنی است مدارک و اسناد بسیاری در مورد حزب کمونیست ایران و جنبش کارگری و فرانسه) هستند که ترجمه نشده‌اند. هر چند برخی از آنها به فارسی هستند، بسیاری به زبان روسی (و برخی آلمانی و فرانسه) هستند که ترجمه نشده‌اند.^۱

اهمیت مطالعه‌ی اسناد جنبش کارگری

مطالعه و بازخوانی اسناد تاریخی جنبش کارگری با تفکری نقادانه و پرسشگر و همه‌جانبه - به‌ویژه برای نسل جوان‌تر - از این رو پراهمیت است که بدانیم چگونه رویدادها و مبارزات مربوط به طبقه‌ی کارگر ایران در دوران پیشین شکل گرفتند و چه راه‌ها و تجربیاتی را طی کرده‌اند و چگونه جنبش مطالباتی کارگری زمانه‌ی ما را آن‌گونه که هست شکل داده‌اند. پر اهمیت است بدانیم در بیش از صد سال گذشته جنبش کارگری کشورمان به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین جنبش‌های اجتماعی ایران چگونه پایه‌گذاری شد و در فرازوفرودهای مبارزاتی خود چه چشم‌انداز سیاسی - اجتماعی و گسترده را در پهنه‌ی سیاسی ایران شکل داد. آموختن درس‌های گذشته‌ی این جنبش به ما یاری می‌رساند نه تنها در مورد خود و مردان و زنانی که برای برخورداری از زندگی بهتر در گذشته مبارزه کرده‌اند بیاموزیم، بلکه با دوری از تکرار اشتباهات گذشته، لغزش‌ها، کاهش‌ها و کمبودها مسیری بهتر و روش و سیاستی عملی و شدنی و کم‌هزینه و دموکراتیک و برابری‌طلبانه را برای حال و آینده‌ی جنبش کارگری ترسیم کنیم. بازخوانی اسناد و تاریخ کارگری کمک می‌کند دریابیم کدام قدرتهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی دنیای کنونی پرتبعیض، نابرابر، بحرانی و پر تنش و ضد انسان و ضد طبیعت را شکل داده‌اند. درعین حال مطالعه‌ی این اسناد به ما می‌آموزد تا زمانی که نقش سازمان‌یافته‌ی تهنی‌دستان، به حاشیه رانده‌شدگان، فرودستان، زنان و

^۱ تشکر ویژه از دکتر پیمان وهاب‌زاده که در جستجو و پی‌گیری در آرشیو کتابخانه روسیه نسخه

کارگران ایرانی در جنگ داخلی روسیه

مجموعه‌ی طبقه کارگر و مردم تحت ستم - (ملی، نژادی، جنسی و جنسیتی و عقیدتی) - را در به‌وجود آوردن تغییرات همه‌جانبه و تحولات بنیادین و گسترده‌ی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی درک نکنیم رفتن گام‌به‌گام به سوی آینده‌ای بهتر و صلح‌آمیز و بدون هرگونه تبعیض و نابرابری با موانع زیادی روبرو خواهد بود.

پیش‌زمینه‌ای کوتاه درباره‌ی مهاجرت کارگران ایرانی به روسیه

تاریخ‌نگاران و پژوهشگرانی که موج مهاجرت ده‌ها هزار کارگر و صنعتگر را از «ممالک محروسه ایران» از نیمه‌ی قرن نوزدهم به مناطق جنوبی روسیه تزاری، قفقاز و ترکیه عثمانی، رصد و ثبت کرده‌اند به دلایل گوناگون خارجی و داخلی که زمینه را برای موج گسترده‌ی مهاجرت و فرار اجباری نیروی کار ایران فراهم آورد اشاره می‌کنند.

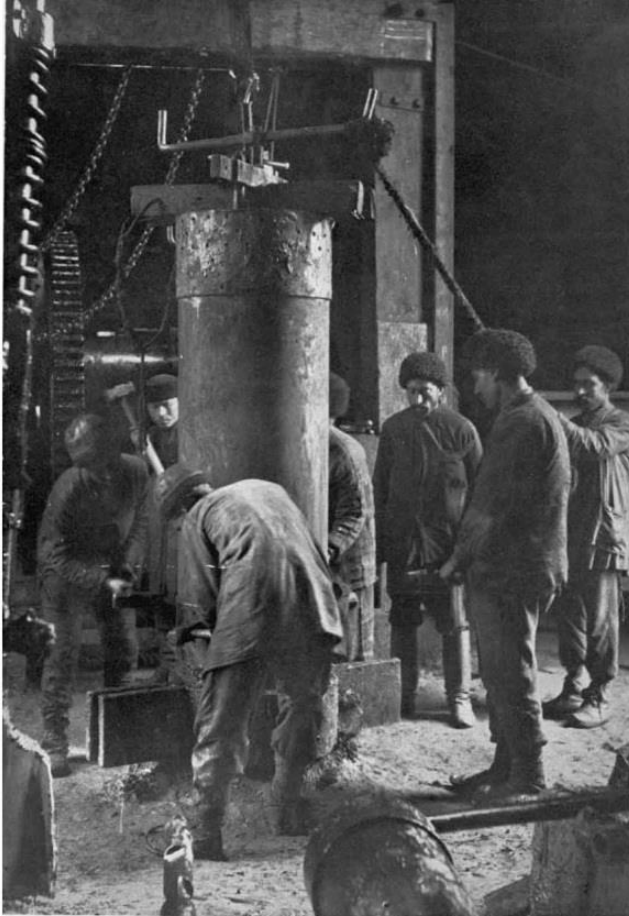
دلایل خارجی

- برای نمونه: شکست ایران در دو جنگ بزرگ با روسیه تزاری در دو دوره‌ی متفاوت - دوره‌ی اول (۱۱۸۳-۱۱۹۲ هـ.ش) و دوره‌ی دوم (۱۲۰۵-۱۲۰۶) - باعث پدیدار شدن معضلات اقتصادی و اجتماعی گسترده‌ای برای مردم ایران به‌ویژه برای فرودستان و دهقانان شد.

- رقابت تجاری و فعالیت‌های اقتصادی ویرانگر روسیه تزاری و امپراطوری انگلستان از اوایل قرن نوزدهم به بعد و تحمیل سیاست فشار و زورگویی به هیأت حاکمه فاسدی ایران و تسلیم حکومت و روحانیونی مانند شیخ فضل‌الله نوری، (۱۸۴۳-۱۹۰۹) حامی منافع امپریالیسم روسیه تزاری در ایران.

- معافیت سرمایه‌داران خارجی از پرداخت مالیات و عرضه‌ی ارزان‌تر محصولات خارجی در نیمه‌ی قرن نوزدهم که سبب ورشستگی بسیاری از تولیدکنندگان ایرانی و بیکاری کارگران و صنعتگران ایرانی شد.

تصویر یک - کارگران ایرانی در کنار یک چاه نفت در باکو



منبع:

Atabaki, T. (2003) Disgruntled Guests: Iranian Subaltern on the Margins of the Tsarist Empire. In: International Review of Social History. Vol. 48.

برگرفته از:

Beepy Thompson, The Oil Fields of Russia and the Russian Petroleum Industry, facing p. 190.

کارگران ایرانی در جنگ داخلی روسیه

- گسترش سریع همزمان سرمایه‌داری نوپای روسیه در ایالات قفقاز و آسیای مرکزی روسیه‌ی تزاری و کشف نفت در سال ۱۸۴۶ در باکو منطقه‌ی بی‌بی هیت آذربایجان و نیاز روزافزون به کار ارزان، از دلایل نیاز به مهاجرت نیروی ارزان کارگران ایرانی به روسیه تزاری بود. دکتر تورج اتابکی در کتاب ارزشمند «مهمانان ناراضی: فرودستان ایرانی در حاشیه امپراتوری تزاری» یادآوری می‌کند: از نیمه‌ی قرن نوزده که سیل مهاجرت و فرار از ایران افزایش می‌یابد در واقع دولت روسیه تزاری مهاجرت گسترده‌ی نیروی کار ارزان را تشویق نیز می‌کرده است.^۲

عوامل سیاسی و اقتصادی داخلی

برای نمونه: فساد گسترده حکومتی، نارضایتی و ناخرسندی مردم از سیاست‌های ضد ملی حکومتی

- بحران مالی، رکود تجاری، گسترش قحطی به‌ویژه در روستاها، گرانی، سقوط ارزش پول ملی، ورشکستگی و کاهش صنایع تولیدی و پارچه‌بافی‌های داخلی به سبب ورود کالاهای خارجی.

- حمایت حکومت از سرمایه‌داران و بازرگانان روسی و انگلیسی.

- واگیری بیماری‌های وبا و گسترش طاعون،

- نبود امید به آینده‌ی بهتر و سلب امنیت و سرکوب مردم توسط داروغه‌ها، کدخدایان و ملایان، از جمله دلایلی است که به روایت تاریخ‌نگاران سبب موج گسترده مهاجرت و فرار نیروی کار شامل کارگران، فرودستان شهرو روستا، صنعتگران و بازرگانان، زنان، اقلیت‌های ملی و دینی به‌ویژه ارامنه آذربایجان از «ممالک محروسه ایران» به خارج از مرزها شد.

^۲ تورج اتابکی. ۲۰۰۷.

Atabaki, T. (2003) *Disgruntled Guests: Iranian Subaltern on the Margins of the Tsarist Empire*. In: *International Review of Social History*. Vol. 48.

بازتاب موج مهاجرت مردم در ادبیات سیاسی آن دوران.

مجموعه‌ی عوامل داخلی و خارجی و صنعت روبه‌رشد و نوپای روسیه تزاری سبب شد که بیشترین نیروی کار ایرانی به این کشور مهاجرت کنند. به‌روایت هما ناطق تاریخ‌نگار، کارگران ایرانی که از همه ارزان‌تر و پرکارتر و قانع‌تر بودند در صنایع مختلف روسیه تزاری به‌کار گمارده شدند. هما ناطق از منابع متعددی مانند گزارش‌ها و مشاهده‌ها، آمار و وضعیت ایرانیانی که تقریباً از نیمه‌ی قرن نوزدهم به روسیه تزاری مهاجرت کردند را چنین ثبت کرده است:

گزارش‌ها و آمارها

«میرزا آقاخان کرمانی در سه مکتوب، از فرار نیروی فعال کشور چنین یاد می‌کند:.. «موافق استاتستیک، هر ساله یک‌صد هزار نفر از اهالی ایران از جور ستمکاران جلای وطن نموده به مملکت خارجه می‌روند. شاهد مدعا سنگ‌شکنان راه قفقاز و روسیه، حاملان بصره و بغداد... پراکنده‌های هند، خرکچیان اسلامبول، درماندگان مخارج گزاف لندن و آه‌کشان خیابان‌های پاریس‌اند. هم اکنون زیاده از پانصد هزار نفر به فعلگی و سنگ‌کشی، کوه سوراخ کردن برای راه‌آهن روسیه به انواع آزار و ذلت دچارند»^۳

در سیاحت‌نامه‌ی ابراهیم بیگ در احوال مهاجرین ایرانی می‌خوانیم: «در سفر قفقاز و در باطوم در محلات فقیرنشین به هر طرف نگاه کردم جز همشهری ندیدم. پرسیدم: چه کاره‌اند؟ گفتند اینها همگی فعله، حمال‌اند. گفتم سبحان‌الله در این شهر کوچک چهل پنجاه هزار نفر ایرانی، آن هم بدین وضع و حالت پریشانی؟ گفت: اقا جان... تمام دهات و شهرها و قصبات حتی دهات قفقاز پر از این قبیل ایرانیان است... در ایران امنیت نیست، کارنیست، نان نیست. برخی از دست تعدی داروغه‌ها و کدخداها گریخته‌اند و برخی از دست باج‌گیری و تهمت ملایان که پسر عمویت چندی قبل شراب خورده یا با یکی از خویشان تو قمار کرده.»^۴

^۳ هما ناطق. کارنامه و زمانه میرزا رضا کرمانی. ص ۱۰۴

^۴ همانجا. ص ۱۰۶

کارگران ایرانی در جنگ داخلی روسیه

آمارهای ثبت شده نشان می‌دهند: «بین سال‌های ۱۸۷۵ تا ۱۸۹۰ میلادی، ۱۳ هزار رعیت از ایران وارد روسیه شدند... بیشتر این مهاجرین از آذربایجان، گیلان، خراسان و کردستان بودند. تا ۱۹۰۵ میلادی به گفته‌ای ۲۰۰ هزار و برخی دیگر ۵۰۰ هزار رعیت ایران را ترک گفته بودند، یعنی ۲ تا ۵ درصد کل جمعیت ۱۰ میلیونی ایران. منابع روسی تعداد کارگران در قفقاز را تا ۱۹۰۵ میلادی در حدود ۳۰۰ هزار نفر نوشته اند... روس‌ها می‌گویند از ۷۰۰۰ کارگر صنعت نفت باکو در سال ۱۸۹۳ میلادی ایرانیان ۱۱ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دادند.»^۵

تورج اتابکی، در مورد ترکیب جنسیتی نیروی کار و تعداد زنان کارگر مهاجر ایرانی در روسیه‌ی تزاری بر اساس مطالعه‌ی آمار سرشماری ایرانیان مهاجر که توسط منابع روسی، با نقص و کمبودهایی، تهیه شده است نشان می‌دهد: «ازمجموعه‌ی ایرانیان مهاجر که در ناحیه‌ی قفقاز و آسیای مرکزی زندگی می‌کردند بین ۲۰ تا ۲۵ درصد از آنان زنان مهاجر ایرانی بودند... بر اساس تنها اطلاعات موجود، در اوایل قرن بیستم از ۲۲۸۴۰ کارگر ایرانی که در صنعت نفت باکو کار می‌کردند ۸.۳ درصد کارگران زن بودند.»^۶

^۵ همانجا. ص ۱۰۸

^۶ تورج اتابکی. ۲۰۰۷. ص ۴۱۵

جدول یک - آمار کارگران مهاجر ایرانی به جنوب روسیه (۱۸۸۰-۱۹۱۴)

منطقه و شهرها	مرد و زن	مرد	زن	درصد زنان
قفقاز	۷۱۴۳۲	۵۴۶۸۷	۱۶۷۴۵	۲۳.۴
تبلیسی	۲۹۹۴۱	۲۲۰۱۲	۷۹۲۹	۲۶.۵
یروان	۸۴۵۸	۵۲۳۹	۳۲۱۹	۳۸
الیزابتوپول	۱۳۰۱۴	۸۳۹۱	۴۶۲۳	۳۵.۵
داغستان	۳۵۷۱	۲۵۸۲	۹۸۹	۲۷.۷
آسیای مرکزی	۲۳۱۹۱	۱۸۴۵۵	۴۷۳۶	۲۰.۴
ماوراء خزر	۱۶۹۱۴	۱۴۰۵۹	۲۸۵۵	۱۶.۹
سمرقند	۲۹۱۵	۲۳۹۰	۵۲۵	۱۸
سیردریا	۱۶۶۱	۱۰۳۱	۶۳۰	۳۷.۹
فرغانه	۲۲۵۴	۱۵۶۵	۶۸۹	۳۰.۶

منبع: ۷

Arabadzian and Kuzetsova, Iran, Sbornik Statei, pp. 193-214, and Hassan Hakimian, "Wage Labour and Migration: Persian Workers in Southern Russia, 1880-1914", International Journal of Middle East Studies, 17 (1985), p. 445

گزارش‌ها نشان می‌دهد صاحبان کار در نواحی قفقاز و آسیای مرکزی در هنگام استخدام از کارگران ایرانی می‌خواستند به قرآن قسم بخورند که به عضویت هیچ اتحادیه‌ی کارگری در نخواهند آمد و در واقع از آنان به‌عنوان اعتصاب‌شکن استفاده می‌شد. به‌گفته‌ی خسرو شاکری همین امر باعث شد که سوسیال‌دموکرات‌های قفقازی به کار سیاسی و سازماندهی در میان کارگران مهاجر ایرانی بپردازند و از این‌جا بود که نخستین نطفه‌های اتحادیه‌های کارگری ایران و سپس سوسیال‌دموکراسی (اجتماعیون- عامیون) ایران بسته شود... با پدیدار شدن جنبش مشروطیت همان

۷ تشکر ویژه از دکتر تورج اتابکی برای ارسال این نمایه که نشاندهنده ترکیب جنسیتی و جغرافیایی کارگران زن و مرد مهاجر ایرانی در در سال ۱۸۹۷ در قفقاز و آسیای مرکزی است.

کارگران ایرانی در جنگ داخلی روسیه

کارگرانی که با پای پیاده برای تکه‌نانی به قفقاز رفته بودند حال با آگاهی سیاسی علیه دولت‌مردانی که فقر و سیه‌روزی میلیون‌ها ایرانی را موجب شده بودند، می‌رزمیدند.^۸

تصویر دو - فوران چاه نفتی در نزدیک باکو



منبع: Zurich's ETH Library

^۸ خسرو شاکری، نهیست کارگری ایران: پیشرو در قیام، بی‌بهره از نتایج، نقد اقتصاد سیاسی.

«شرکت کارگران ایرانی در جنگ داخلی روسیه»

مهاجرت توده‌ی عظیم دهقانان و پیشه‌وران ایرانی ساقط شده از هستی به روسیه از اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیستم آغاز شده بود. در طی سال‌های متوالی، دهه هزار نفر از مرز روسیه و ایران رد می‌شدند. در برخی سال‌ها تعداد مهاجرین ایرانی از ۲۰۰ هزار نفر نیز می‌گذشت.^[۱]

کارگران ایرانی به مناسبت تسلیم در برابر شرایط تحمیلی صاحبان موسسات صنعتی، فعالیت‌های سندیکا‌های محلی را بسیار دشوار می‌کردند. (کارگران مهاجر ایرانی از ناچاری با دستمزد کم‌تر کار می‌کردند و در مواردی از آنها به‌عنوان اعتصاب‌شکن استفاده می‌شد). به همین سبب بلشویک‌ها برای فعالیت در میان کارگران ایرانی سخت می‌کوشیدند و در عین حال به پرورش احساسات انترناسیونالیستی کارگران محلی نسبت به کارگران مهاجر ایرانی توجه خاص داشتند. به این مناسبت در سال ۱۹۰۵ در شهر باکو در کنار سازمان سوسیال‌دموکرات «همت» که در میان ساکنان محلی مسلمان تبلیغ می‌کرد، حوزه‌ی حزبی سوسیال‌دموکرات ایران بنام «اجتماعیون و عامیون» (مجاهد) سازمان یافت.^[۲] [در این‌که سوسیال‌دموکرات‌ها و مجاهدین یک سازمان بودند بحث بسیار است، به‌هر تقدیر برنامه و مقررات این دو سازمان متفاوت بودند... یادداشت مترجم یا خسرو شاکری] بدین ترتیب سنت پابرجای مبارزه‌ی مشترک انقلابی ملت‌های ایران و روسیه پایه‌گذاری شد.

اگر چه در سال‌های عقب‌نشینی موقت انقلاب فعالیت نخستین گروه‌های سوسیالیست ایرانی تقریباً متوقف شد ولی شرایط عینی ادامه‌ی مبارزه و فعالیت آنها به قوت خود باقی ماند. کار مداوم سیاسی و سازمانی بلشویک‌های باکو و عناصر پیشرو ایرانی در میان کارگران مهاجر به‌تدریج به ثمر می‌رسید.

در سال‌های جنگ اول جهانی، تعداد اعتصابات که کارگران ایرانی در آنها با خواست مشخص خود شرکت می‌کردند افزایش یافت. تنها در ماه مه ۱۹۱۴ باربران ایرانی بندر همراه با کارگران دستگاه‌های حفاری دو بار دست به اعتصاب زدند. در این دو اعتصاب بیش از ۲۰۰۰ نفر شرکت داشتند. اعتصاب‌کنندگان خواست‌های خود را

کارگران ایرانی در جنگ داخلی روسیه

در مقابل پیمانکاران مطرح کردند. افزایش دستمزد، بهبود شرایط مسکن و معاش از جمله خواست‌های مطروحه بود.^[۳]

در سال ۱۹۱۶ در باکو کارگران ایرانی، با شرکت مستقیم بلشویک‌های محلی سازمان سوسیال‌دموکرات «عدالت» را تشکیل دادند. «عدالت» که در آغاز یک گروه سوسیال‌دموکرات بود، در کنفرانس مؤسسان که در ماه مه ۱۹۱۷ در شهر باکو تشکیل شد، «عدالت» شکل حزب به خود گرفت. این کنفرانس برنامه‌ی حزب را به تصویب رسانده و کمیته‌ی مرکزی‌ای را که «آ. غفارزاده، لطفی، م. علیخانف، م. بابا» و دیگران از اعضای آن بودند انتخاب کرد. آ. غفارزاده که به دبیری حزب انتخاب شده بود در عین حال سردبیر روزنامه هفتگی ارگان حزب را به نام «عدالت» به‌عهده داشت. این روزنامه به زبان‌های فارسی و آذربایجانی منتشر می‌شد.^[۴]

در باکو و حوالی آن حوزه‌های حزبی و میتینگ‌ها و تظاهرات سازمان داده می‌شد. فعالیت‌های حزبی در دو جهت انجام می‌گرفت:

۱- بسیج مهاجران ایرانی برای مبارزه بخاطر استقرار حکومت شوروی در آذربایجان.

۲- بسط و توسعه‌ی تهییج و تبلیغ در ایران.

فعالیت حزب عدالت در باکو در رابطه‌ی نزدیک با کمیته‌ی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) انجام می‌گرفت. سازمان باکوی کمونیست روسیه (بلشویک) و عدالت و همت در واقع سازمان واحدی بودند که به‌خاطر فعالیت در میان زحمتکشان ملیت‌های مختلف ظاهراً به شکل سازمان‌های جداگانه عمل می‌کردند. این سازمان تحت رهبری بلاواسطه‌ی دفتر (بورو) باکو کمیته‌ی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) ناحیه‌ی قفقاز فعالیت می‌کردند. کمیته‌ی مذکور به‌فاصله‌ی زمان‌های معین درباره‌ی اشکال و روش‌های فعالیت سازمان‌های همت و عدالت بحث کرده و نظر می‌داد،^[۵]

پس از انقلاب فوریه، علاوه بر حزب عدالت دو سازمان سیاسی دیگر- «حزب دمکرات ایران» و «حزب استقلال ایران»- نیز در باکو فعالیت می‌کردند. تجار و مغازه‌داران، کارکنان کنسولگری‌های ایران در باکو، پتروسکف، در بند، و شهرهای ماورای قفقاز عضو این سازمان‌ها بودند. حتی گرگانی، نویسنده‌ی ایرانی که دارای

گرایش‌های بورژوازی است می‌نویسد: در مقایسه با این دو حزب ضعیف که عده‌ی خیلی کمی عضو داشتند، حزب عدالت موقعیت ممتاز و برجسته‌ای داشت.^[۶]

تفاوت طبقاتی در میان مهاجرین به‌طور وضوح مشاهده می‌شد. مبارزه‌ی گروه‌های سیاسی در بسیاری از موارد به برخوردهای مسلحانه و قتل فعالین حزب عدالت به‌دست ضد انقلابیون می‌انجامید، مثلاً این خبر با امضای «آ. یوسف» عضو کمیته‌ی موقت انقلابی، در روزنامه‌ی باکو چاپ شد: در شب بین ۴ و ۵ فوریه در دوراهی قیشلی قربان صادق‌زاده عضو کمیته‌ی محلی حزب سوسیال‌دموکرات ایران (عدالت) به‌طور وحشیانه‌ای بقتل رسید. قتل رفیق‌مان به‌دست مرتجعین با تصمیم اخیر شورای کارگران مهاجر ایرانی (رفیق صادق‌زاده یکی از فعالین این شورا بود) درباره‌ی نحوه‌ی کار کنسولگری‌ها رابطه‌ی مستقیم دارد. همه می‌دانند که شورای کارگران تصمیم گرفته است اداره‌ی کنسولگری‌ها را که تنها به امور تجار محترک پرداخته و به سرنوشت کارگران و کشته شدن صدها تن از آنان بی‌اعتنا می‌باشد به یک هیأت ۳۸ نفری منتخب شورا واگذار کند.

ما از همه‌ی اتباع ایرانی دعوت می‌کنیم که طبق تصمیم کمیته‌ی انقلابی موقت برای احترام به‌خاطره‌ی این رفیق که در حین مأموریت جان خود را از دست داد است دست از کار بکشند. «ای ستم‌دیدگان، ای دوستداران آزادی و برابری، همه به ده قیشلی آمده و در مراسم تشییع جنازه‌ی این رفیق شرکت کنید تا ثابت شود که هیچ نیرویی قادر نیست حرکت آزادی‌بخش مردم را متوقف کند.»^[۸]

سازمان‌های حزب عدالت، تحت رهبری حزب کمونیست روسیه (بلشویک)، در تمامی اقدامات سیاسی بلشویک‌ها شرکت می‌جستند. ا. ای. میکویان می‌نویسد: از همان سال ۱۹۱۸ آقاف (یکی از رهبران عدالت و پ.) و سازمان او با ما همکاری داشتند.^[۹] در ۲۷ ژوئیه ۱۹۱۸، هنگامی که نیروهای ترکیه به باکو حمله‌ور شدند حزب عدالت و کمیته‌ی مرکزی همت تصمیم گرفتند که اعضای خود را در گروه‌های مسلح کارگری برای دفاع از شهر بسیج کنند.^[۱۰] پس از تسخیر شهر به‌وسیله‌ی نیروهای اشغالگر، بیش از نیمی از اعضای کمیته‌ی مرکزی عدالت توقیف و به قتل رسیدند. رییس حزب غفارزاده که کمیته‌ی مرکزی او را برای سازمان دادن و برقراری با چریک‌ها به گیلان فرستاده بود، توسط ضدانقلابیون به‌قتل رسید.

کارگران ایرانی در جنگ داخلی روسیه

پس از آن که در آغاز نوامبر ۱۹۱۸ نیروهای ترکیه مناطق آذربایجان را تخلیه کردند، باکو در تاریخ ۱۷ نوامبر توسط نیروهای انگلیس اشغال شد. دولت ارتجاعی آذربایجان که در رأس آن خوی سکی قرار داشت و قوای انگلستان را به باکو فرا خوانده بود سعی داشت تا به هر وسیله از فعالیت سازمان‌های بلشویکی جلوگیری کند. اما کمیته‌ی حزب کمونیست روسیه (بلشویک)، همت و عدالت مخفیانه به فعالیت خود ادامه می‌دادند.

در ماه مارس ۱۹۱۹، هنگامی که مساواتی‌ها در باکو حکومت می‌کردند کنفرانس عدالت مخفیانه در شهر باکو برگزار شد و کمیته‌ی مرکزی جدیدی را انتخاب کرد. در تشکیل این کنفرانس فعالینی که از درون مهاجرین برخاسته بودند نقش بسیار مهمی ایفا کردند. آ. ای. میکویان می‌نویسد: «از رهبران عدالت من سه نفر از کارگران با استعداد را به‌خوبی به یاد دارم (مقصود برادران آقازاده هستند) این برادران با آن که دارای تحصیلات نبودند به‌طور طبیعی خواص رهبران قابل را داشتند، آنان از تجربه‌ی سیاسی برخوردار و با تمام وجود به کمونیسم وفادار بودند. آنان در تمام جلسات شرکت می‌جستند و با کمونیست‌ها همکاری می‌کردند. رهبران عدالت در کنفرانس حزب کمونیست آذربایجان که در ماه مارس ۱۹۱۹ در باکو برگزار شد شرکت جستند. در ملاقات نمایندگان بلشویک باکو {کمیته ح. ک. ر. (بلشویک) همت و عدالت} بهرام آقازاده سخنرانی کرد. او خطاب به نمایندگان گفت که کارگران ایرانی از تمامی اقدامات کمیته‌ی بلشویک حمایت کرده و با کارگران روس و ارمنی همراه خواهند بود.^[۱۱]

در همین موقع رابطه‌ی حزب عدالت با انترناسیونال کمونیست برقرار شد. حسین‌اوف، نماینده‌ی حزب کمونیست ایران (بخش دفتر مرکزی ملل شرق) در نخستین کنگره‌ی کمینترن شرکت جست.^[۱۲]

در جریان سال ۱۹۱۹، فعالین حزب عدالت با بلشویک‌ها از نزدیک همکاری داشتند. در جلسه‌ی کنفرانس کارگری باکو که در ۴ مه ۱۹۱۹ تشکیل شد آقازاده به عضویت هیأت مدیره‌ی کنفرانس انتخاب شد. او پس از چند روز همراه گروه مسلح کمونیست‌های ایرانی به‌منظور کمک به قیام مردمی مغان رهسپار لنکران شد و با گروه خود به صفوف «ارتش سرخ مغان» پیوست.^[۱۳] این گروه بعدها به تصمیم کمیته‌ی مرکزی حزب عدالت مأمور شد که برای کمک به جنبش چریکی که به رهبری کوچک

خان انکشاف یافته بود به گیلان برود.^[۱۴] جمهوری مغان ولی در ژوئیه ۱۹۱۹ سرکوب شد و تنها عده‌ی قلیلی از کمونیست‌های ایرانی موفق شدند که به باکو بازگردند.^[۱۵] در نخستین کنگره‌ی حزب کمونیست آذربایجان، که در روز ۱۱ و ۱۲ فوریه ۱۹۲۰ برگزار شد ده نماینده از حزب عدالت شرکت داشتند. کامران آقازاده (یکی از برادران آقازاده) به عضویت کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست آذربایجان (بلشویک) انتخاب شد. کنگره درباره‌ی یکی‌شدن و ورود همه‌ی سازمان‌های کمونیستی آذربایجان به حزب کمونیست آذربایجان (بلشویک) تصمیم گرفت. اما حزب عدالت به‌ویژه حوزه‌های پایین آن تا اواسط سال ۱۹۲۰، همچون سازمان مستقل کمونیست‌های ایران باقی ماند.^[۱۶] عده‌ای از کمونیست‌های ایرانی، هنگام اشغال باکو توسط نیروهای ترکیه همراه بلشویک‌ها به آستراخان رفتند و به سازمان‌های کمونیستی (مسلمان) آستراخان پیوستند. بنا به تصمیم این سازمان «حوزه‌ی کمونیستی ایران» مرکب از ۱۸ نفر تشکیل شد. اعضای عدالت در فعالیت‌های تبلیغاتی و تهییجی شرکت می‌جستند و به عنوان مبلّغ به دایره‌های سیاسی ارتش سرخ - که درانترناسیونالیست‌های ایرانی بودند - فرستاده می‌شدند.^[۱۷]

در تاریخ ۲ ژانویه ۱۹۱۹ «نخستین کنگره‌ی اتباع و اسیران جنگی ترکیه» برای به‌وجود آوردن حوزه‌ی کمونیستی ترکیه تشکیل شد. در این کنگره ۱۴ تن از نمایندگان کمونیست‌های ایران و قفقاز شرکت داشتند. در دومین جلسه‌ی کنگره به پیشنهاد نریمان نریمانف تصمیم گرفته شد که برای تشکیل کلاس‌های تبلیغ و بسیج و انتشار روزنامه‌ی ارگان اسرای ترک با همکاری حوزه‌ی ایرانیان اقدام شود. این کلاس‌ها می‌بایست مبلغین ترک و ایرانی را آماده سازد که نخست به قفقاز و سپس به ترکیه و ایران فرستاده شوند.^[۱۸] کمونیست‌های ایرانی به پخش افکار مارکسیستی در میان زحمتکشان ترکیه نیز کمک می‌کردند.

کمیته‌ی مرکزی عدالت، در ژانویه ۱۹۲۰ سلطان‌زاده، علیخانف، و فتح‌علی زاده را که از فعالین آن سازمان بودند به تاشکند فرستاد. اینان پس از تشکیل کمیته‌ی تشکیلاتی عدالت به تبلیغ و بسیج ایرانیان مهاجر در ترکستان مشغول شدند. در ۳۰ ژانویه ۱۹۲۰ کمیته‌ی تشکیلاتی «بیانیه‌ی حزب کمونیست، عدالت» را خطاب به زحمتکشان ایران منتشر کرد. در بیانیه گفته شده بود: «حزب کمونیست ایران عدالت

کارگران ایرانی در جنگ داخلی روسیه

پرچم مبارزه‌ی قاطعانه علیه همه‌ی دشمنان زحمتکشان ایران را بر افراشته است... انقلاب اکتبر روسیه امکانات و افق تازه‌ای را در برابر ما گشوده است. حزب کمونیست ایران، (عدالت)، با کمک کارگران و دهقانان روس که دوستان واقعی زحمتکشان ایران هستند، با دشمنان زحمتکشان تا آخرین قطره‌ی خون خود مبارزه خواهد کرد. رفقای کارگر و دهقان ایران برای آزادی توده‌های ستمکش و اسیر ایران از دست ستمگران خارجی، زیر پرچم مبارزه‌ی انقلابی متحد شوید. مرگ بر غارت‌گران خارجی! زنده‌باد ایران آزاد! زنده‌باد حزب کمونیست ایران (عدالت)![۱۹]

کمیته‌ی تشکیلاتی عدالت در شورای بین‌المللی تبلیغات که به تصمیم کمیسیون امور ترکستان هیأت اجرایی‌ی شوروی تشکیل شده بود دو نماینده داشت.^[۲۰] حزب جلسات، میتینگ‌ها، سخنرانی‌ها، و کنفرانس‌هایی تشکیل می‌داد (در تاشکند - خ. ش.) و نمایندگان خود را به سمرقند، عشق‌آباد، مرکوشک، کراسنودسک و شهرهای دیگر می‌فرستاد تا عناصر پیشرو مهاجر را به حزب جلب کنند.^[۲۱] نخستین کنفرانس ایالتی حزب عدالت به نمایندگی از طرف ۵۶۳۰ عضو حزب، در تاریخ ۲۰ مارس ۱۹۲۰ تشکیل شد.^[۲۲] و. ای. لنین به ریاست افتخاری این کنفرانس انتخاب شد. کنفرانس درباره‌ی گزارش سلطان‌زاده زیر عنوان «دولت شاه و دورنمای انقلاب اجتماعی در ایران»، «درباره‌ی مسئله‌ی جنگ» و گزارش علیخانوف «تاکتیک ما در ایران» بحث کرد و تزه‌های مربوط به ایران را به تصویب رساند. در تزهایی که از گزارش علیخانوف تصویب شد،^[۲۳] وضع اجتماعی و اقتصادی ایران به‌طور خلاصه تشریح شده و به ویژگی‌های فعالیت حزبی در میان مردم اشاره شده بود. از جمله، کنفرانس مسئله‌ی عضویت افراد را مطرح و مقرر کرد که در پذیرش افراد باید هوشیاری بیشتری بکار رود تا عضویت افرادی که ممکن است با خطمشی سیاسی میانه‌روی خود خطمشی قاطعانه‌ی حزب را متزلزل کنند جلوگیری شود. کنفرانس هم‌چنین تأکید کرد که برعکس کشورهای پیشرفته‌ی سرمایه‌داری که طبقه‌ی کارگر آن متشکل است و بنا بر این احزاب کمونیست قادرند مستقل عمل کنند حزب عدالت باید در شرایط ایران، تمام کسانی را که به‌خاطر وضع اقتصادی خود در براندازی الیگارش‌ی اربابی امالکین بزرگ - م. ا. ذی‌نفع می‌باشند به‌سوی خود جلب کند.

در تازها آمده بود که حزب باید در مبارزه علیه اشغال انگلستان و استبداد شاه از همه‌ی عناصر چپ ایران (تا زمانی که فعالیت آنان با منافع کارگران و دهقانان تضاد پیدا نکرده و مخالف نکات اساسی برنامه‌ی کمونیستی قرار نگرفته) استفاده کرده و با آنان مدد برساند. در این تز به این نکته که از چگونه‌عناصری باید استفاده شود اشاره مشخصی نشده است. از تقسیم بورژوازی به بورژوازی ملی طرفدار استقلال و بورژوازی کمپرادور که در تحکیم امپریالیسم بیگانه در کشور ذی‌نفع است سخنی نیست. تأکید بر این مسئله که ایران دارای تعداد زیادی کارگران پرولتری صاحب سطح آگاهی نسبتاً بالایی است نیز اشتباه بود. تجربه‌ای از روسیه به‌دست آمده بود نمی‌توانست کورکورانه در ایران نیمه فئودال [کذا] مورد استفاده قرار گیرد. عقایدی چون وجود امکان انقلاب کمونیستی در ایران گویای آن است که کمونیست‌های ایران از وظایف اصلی مبارزه‌ی ضد امپریالیستی در آن مرحله، یعنی مبارزه برای استقلال ایران و بیرون راندن اشغالگران انگلیسی درک درستی نداشتند.

کنفرانس توجه احساسات مذهبی افراد را یکی از شرایط موفقیت فعالیت تبلیغاتی و بسیج مردم می‌دانست. کنفرانس پیشنهاد داد که با پیروی از یک سیاست عاقلانه‌ی جدایی قشر پایین فقیر و محروم روحانیت از قشر فوقانی آن را که بزرگ‌ترین مالکان کشور است، آماده سازد. حزب استفاده از پیشروترین عناصر روحانی را در مبارزه برای اهداف مشترک جز وظایف خود قرار داد. این از آن کلیشه‌های معمول تاریخ‌نگاری شوروی است. کمونیست‌های ایرانی مسئله را به این سادگی مطرح نمی‌کردند. - احتمالاً افزوده‌ی خسرو شاکری یا گیلانی]

اهمیت مسئله‌ی ملی و لزوم مبارزه با شووینیسیم (تعصب ملی) برای نخستین بار در اسناد حزب عدالت مورد توجه قرار می‌گرفت، قطعنامه حزب اعضا را موظف می‌کرد تا دائماً به زحمتکشان توضیح دهند که یگانه دشمن آنان... اربابان و سرمایه داران بوده و اینان را تنها با مبارزه متفق و متحد کارگران همه کشورها و ملل می‌توان از بین برد. پس از کنفرانس، سازمان‌های حزب عدالت فعالیت عظیم سیاسی‌ای را آغاز کردند. در تاشکند سه کمیته‌ی محلی و یک کمیته‌ی شهری سازمان داده شد. در ماه مارس ۱۹۲۰ سازمان عدالت در سمرقند دارای ۳۱۰ عضو بود،^[۲۴] در ماه آوریل همان سال سازمان‌های حزبی در شهرهای کرکخ، ترمس، قزل آرات، سمی رچیه (هفت

کارگران ایرانی در جنگ داخلی روسیه

رودم) تشکیل شد.^[۲۵] به کار آموزشی توجه خاص می‌شد. به ابتکار کمیته‌های محلی عدالت مدرسه‌ی زبان روسی برای ایرانیان افتتاح شد.^[۲۶] صد ایرانی که از طرف شورای تبلیغات بین‌المللی فرستاده شده بودند در مدرسه‌ی تعلیم‌دهندگان نظامی عشق‌آباد تحصیل می‌کردند.^[۲۷] برنامه‌های کلاس‌های تربیت کادر آژیتاسیون برای شرقی‌ها که اکثر شرکت‌کنندگان آن را اعضای حزب عدالت تشکیل می‌دادند دائر بود.^[۲۸] از ۲۵ نفر که در کلاس‌ها دوره دیدند ۱۶ نفر برای فعالیت در ایران در اختیار دفتر (بورو) قفقاز قرار گرفتند^[۲۹] و به باکو فرستاده شدند.

در سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۹، در سازمان دادن و آماده کردن کادرهای حزبی، حیدر خان عموآوغلی (تاری وردیف) انقلابی حرفه‌ای ایرانی نقش بسیار مهمی داشت.^[۳۰] یکی از روزنامه‌های تاشکند درباره‌ی او نوشت: نماینده کمونیست‌های ایران عضو انترناسیونال سوم و شورای مسکو، شخصی که در محافل سیاسی به «رجب بمبی»^[۳۱] معروف است و در انقلاب مشروطه ایران سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۰۸ و سرنگونی شاه نقش مهمی ایفا کرده، در حال حاضر در تاشکند است.

«رجب بمبی» در مسجد ایرانیان سخنرانی کرد. او در سخنرانی خود به اهمیت حکومت شوروی در مبارزه برای احقاق حقوق ستم‌دیدگان اشاره کرده، از مردم خواست که برای کمک به حکومت شوروی و آزادی کارگران و دهقانان ایرانی به مبارزه برخیزند.. سخنگو حضار را به عضویت در حزب عدالت، بیان‌کننده‌ی اراده‌ی زحمتکشان ایران فراخواند. پس از سخنرانی حیدر، ۴۵ نفر در حزب نام‌نویسی کردند...^[۳۲]

سازمان عدالت که در آذربایجان شمالی و ترکستان فعالیت داشت تا ماه ژوئن ۱۹۲۰، در رابطه‌ی نزدیک با سازمان‌های محلی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) کار می‌کرد. به افراد فعال حزب عدالت که در کردستان فعالیت می‌کردند دستور داده شده بود که در تمام مسائل مربوط به فعالیت‌های حزبی اساسنامه حزب کمونیست روسیه (بلشویک) را ملاک عمل خود قرار دهند. در این سند قویاً توصیه شده بود که باید همه‌ی کوشش ممکن به کار رود تا فعالیت حزبی در یگانگی کامل با سازمان‌های محلی حزب کمونیست روسیه انجام گیرد. زیرا بین سازمان عدالت و حزب کمونیست روسیه اختلاف اساسی یا برنامه‌ای وجود نمی‌تواند داشته باشد و ندارد. اعضای عدالت بایست

در جلسات محلی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) و اقدامات آن - که توسط سازمان‌های دولتی و حزبی شوروی اجرا می‌شد - شرکت جویند.^[۳۳]

یکی از ویژگی‌های سال‌های ۱۹۲۰-۱۹۱۹ تعداد زیادی شوراهای اتباع ایرانی است. این شوراها ایرانیان را در مقیاس شهرها متحد می‌ساخت. چنین شوراهایی در تاشکند، اونیورگ، سمرقند، مسکو و ساراتف وجود داشت.^[۳۴] رهبری شورای ترکستان را تجار ایرانی در دست گرفته بودند. کمیته‌ی ایالتی عدالت از کمیسیون ترکستان خواست که شوراهای اتباع ایرانی در ترکستان بسته شود. زیرا این شوراها نه تنها برای کارگران کاری انجام نمی‌دادند بلکه در دست بورژواهای ایرانی به آلت سوءاستفاده و پیش برد سیاست آنگلو فیل در میان کارگران تبدیل شده است.^[۳۵]

اما بخشی از شوراها زیر نفوذ کمونیست‌های ایرانی بودند. کمونیست‌ها فقیرترین اقشار مهاجر ایرانی را در این شهرها متحد کرده در داخل شوراها حوزه‌های کمونیستی به وجود می‌آوردند.^[۳۶]

کمونیست‌های ایران با دفتر (بورو) مرکزی سازمان کمونیست‌های مشرق که در دسامبر ۱۹۱۸ در مسکو تشکیل شده بود فعالانه همکاری می‌کردند.^[۳۷] این دفتر توانست در مدت کوتاهی (ژانویه ۱۹۱۹ - دسامبر ۱۹۱۸) به کمک کمونیست‌های ایران تعداد زیادی بیانیه و جزوه برای پخش در ایران و در میان مهاجرین نشر دهد. بیانیه خطاب به زحمتکشان مسلمان روسیه و شرق به زبان فارسی، در بیش از صد هزار نسخه منتشر شد.^[۳۸] در ماه‌های بعد جزوه‌های «الغای صلح برست»، «تزار، کشیش و گولاگ» و «قانون اساسی جمهوری فدراتیو سوسیالیستی شوروی روسیه» به زبان فارسی منتشر شد.^[۳۹] دفتر مرکزی تعداد زیادی بیانیه و جزوه نیز به زبان آذربایجانی منتشر ساخت.^[۴۰] اعضای عدالت جزوه‌ی «خطاب به جوانان زحمتکش مشرق» را به زبان فارسی نشر دادند.^[۴۱] در سال ۱۹۱۹، در مسکو علاوه بر سازمان کمونیست عدالت، حوزه‌ی حزب «اجتماعیون - عامیون» (سوسیال‌دموکرات) نیز به رهبری حیدرخان فعالیت می‌کرد. اعضای این سازمان در تاریخ ۱۰ آوریل ۱۹۱۹، با شرکت نمایندگان گروه‌های کمونیست سامارا، آسترخان و کارگران راه‌آهن بدیانسک و نمایندگان انترناسیونالیست‌های ایرانی در ارتش سرخ و نمایندگان «شورای اتباع ایرانی» در مسکو میتی‌نگی برپا داشتند. حیدرخان در سخنرانی خود حمله به نمایندگی

کارگران ایرانی در جنگ داخلی روسیه

شوروی را - که در نوامبر ۱۹۱۸، به تحریک مأمورین انگلیسی در تهران انجام گرفته بود - شدیداً محکوم کرد. او اعلام داشت که ایرانیان مقیم روسیه شوروی از هر دسته‌ای که باشند (سوسیالیست یا بورژوا) در برابر این عمل نمی‌توانند سکوت اختیار کنند. او گفت: روسیه شوروی تنها امید ایرانیان در مبارزه برای آزادی است. روسیه شوروی از نخستین روزهای اکتبر به ایرانیان نشان داده است که آزادی، زندگی نوین و رهایی از زنجیرهای غارتگران خارجی را برای شرق به ارمغان می‌آورد. در پایان میتینگ به پیشنهاد حیدرخان قطعنامه‌ی آماده شده از طرف حوزه‌ی حزب اجتماعیون - عامیون به تصویب رسید. در این قطعنامه آمده است: «ایرانیان مقیم روسیه، روسیه‌ی شوروی را چنان مرکزی می‌دانند که ایرانیان، صرف‌نظر از اختلافات مسلکی، باید در مبارزه خود علیه ستمگران خارجی و داخلی از آن سرمشق و نیرو بگیرند و به همین مناسبت ایرانیان را صرف‌نظر از تعلق به طبقات و احزاب مختلف به شرکت و مبارزه دعوت می‌کنند. مبارزه‌ای که سازمان‌های انقلابی در داخل ایران با وجود ترور آغاز کرده‌اند.»^[۴۲]

لازم به تذکر است که حزب اجتماعیون - عامیون هم از زمان انقلاب مشروطه ۱۹۱۱ - ۱۹۰۵، از تاکتیک ترور فردی به مقیاس وسیع استفاده می‌کرد. حیدرخان در سخنرانی خود از فعالیت کمیته‌ی مجازات که در سال ۱۹۱۸ در مدت ۱۸ روز عملیات تروریستی متعددی را علیه محافل ارتجاعی ایران انجام داده بود پشتیبانی کرد. حیدرخان گفت: که این سازمان (کمیته مجازات) ارگان اجرایی حزب اجتماعیون - عامیون بود.^[۴۳] موضع حیدرخان در این مسئله قانع‌کننده نمی‌آمد.

حوزه‌های کمونیست‌های ایران در شهرهای اودسا، کیف، رستف روی دن و ولادی قفقاز وجود داشت^[۴۴] در فوریه ۱۹۱۹، تحت نظر کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست اوکراین، گروه مسلمان «همت» در آن منطقه مستقر شد. این گروه میان کارگران ایرانی و آذربایجانی معادن زغال سنگ دنباس، تبلیغ و فعالیت می‌کرد.^[۴۵] در سال ۱۹۲۰، دفتر (بورو) مرکزی سازمان‌های کمونیستی ملل شرق و دفتر (بورو) سازمان‌های کمونیست ایرانیان، نمایندگان تام‌الاختیار خود را برای جلب کارگران مهاجر به شهرهای

خارکف، پلتاوا، رمنا، کرمنچوک، آرماویر، گروزنی، عشق آباد، پطروگراد، مسکو و دیگر شهرها فرستادند.^[۴۶]

گروه‌های مسلح انترناسیونالیستی کارگران مهاجر ایرانی در جنگ‌های ترکستان، قفقاز، سواحل ولگا و روسیه مرکزی - که بخاطر استقرار حکومت شوروی درگیر می‌شد - فعالانه شرکت می‌جستند.

قلیق اوغلی - کارگر مهاجر ایرانی عضو حزب کمونیست روسیه بلشویک - به هنگام شورش ضد انقلابیون در کوکند، از کارگران فقیر شهرگروه مسلحی تشکیل داد و مدت ۱۶ روز از قلعه آن شهر دفاع کرد.^[۴۷] گروهی از کمونیست‌های ایرانی به رهبری بهرام آقازاده (عضو کمیته‌ی مرکزی عدالت) در گروه مسلح معروف به گروه «پولادین» در ماوراء قفقاز علیه دنکین می‌جنگیدند.^[۴۸] گروه‌های انترناسیونالیستی ایرانیان و «گروه سواره‌نظام ایرانیان» در جبهه‌ی ترکستان، علیه اشغالگران انگلیسی و بسمچی‌ها می‌جنگیدند.^[۴۹] حیدرخان در نامه ۱۲ فوریه ۱۹۲۰ به دفتر (بورو) مرکزی سازمان‌های کمونیستی ملل شرق نوشته است که او هنگام اقامتش در سامارا، با م. و. فرونزه درباره‌ی تشکیل هنگ ایرانیان در ترکستان صحبت کرده بود. این هنگ می‌بایست به قسمت‌های منظم ارتش سرخ در مبارزه با اشغالگران و ضدانقلاب مدد برساند. بنا به گفته‌ی حیدرخان، م. و. فرونزه با تشکیل گروه‌های انتر ناسیونالیستی ایرانیان موافقت کامل نشان داده بود.^[۵۰]

در تاریخ ۲۵ آوریل ۱۹۲۰، بنا بر دستور شماره ۱۸۷ جبهه ترکستان گروه مسلح مستقل انترناسیونالیست‌های ایران تشکیل شد.^[۵۱] هدایت امین بیگی، دبیر حوزه‌ی حزب کمونیست ایران و شرکت کننده در انقلاب اکتبر در پطروگراد، در جنگ با گاردهای سفید در آسترخان با قهرمانی جان سپرد. کمیته‌ی ایالتی حزب کمونیست روسیه (بلشویک) در قفقاز، به مناسبت خدمات ویژه‌ی امین بیگی به انقلاب، تصمیم گرفت که برای خانواده‌ی او مستمری مقرر شود.^[۵۲]

بدین ترتیب عناصر پیشرو پرولتاریای ایران در روسیه سهم خود را در دفاع از دست‌آوردهای (انقلاب) اکتبر ادا کرده و طی این سال‌ها به کمک برادران طبقاتی روس خود سازمان سیاسی و طبقاتی ویژه‌ی خویش، یعنی حزب کمونیست ایران (عدالت)

کارگران ایرانی در جنگ داخلی روسیه

را به وجود آوردند. این حزب در مبارزه‌ی آزادی‌بخش ملی سال‌های ۱۹۲۱-۱۹۲۰ نقش مهمی را بازی کرد.

توده‌ی کارگران مهاجر و آگاه‌ترین عناصر طبقه‌ی کارگر ایران، که تازه در حال شکل گرفتن بود، بعدها هسته‌های گروه‌های مسلح جنبش آزادی‌بخش ملی را، که در سال‌های ۱۹۲۱-۱۹۲۰ در گیلان انکشاف یافت، تشکیل دادند. کارگران مهاجر (ایرانی) داوطلبانه کار خود را در کارخانجات روسیه رها کردند، گروه‌های مسلح تشکیل دادند و برای آزادی وطن اسیر خود به جنبش گیلان پیوستند.^[۵۳]

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- در این باره نگاه شود به: ن. ک. بلووا- درباره مهاجرت از شمال غربی ایران در اواخر قرن ۱۹ و آغاز قرن ۲۰- «واپرسی ایستوری ای»، ۱۹۵۶، شماره ۱۰
- ۲- برای شرح بیشتر در این باره نگاه شود به: گ. م. گسنف. از تاریخ روایت بین‌المللی بلشویک‌ها ی آذربایجان با انقلابیون ایران (۱۹۱۱-۱۹۰۵) - پژوهش‌های دانشکده تاریخ حزب، وابسته به کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان، باکو، ۱۹۶۷، ص ۷۲-۷۱.
- ۳- آرشیو شعبه گرجستان. ا. م. ل.، ۸، او پ. ه. د ۲۱۲، ل ۶۸، ص ۷۷-۵۵
- ۴- کاسپی (باکو) ۱۹۱۷-۱۹۰۵. ۲۶۰۴
- ۵- برای شرح بیشتر در این باره نگاه شود به د. بنیاد زاده درباره آغاز سازمان ح. ک. آ. (بلشویک) - پژوهش‌های دانشکده تاریخ حزب ک. م. ح. ک. آ. ۱۹۵۷ ص ۱۶۲ یادش‌های درباره تاریخ سازمان کمونیستی ماوراء قفقاز، ج. ۱ (۱۹۲۱ - ۱۸۸۳)، تفلیس، ۱۹۶۷، ص ۴۳۸. ج. ب. قلی اف، مبارزه ح. ک.. برای تحقق سیاست ملی لنینی در آذربایجان، باکو ۱۹۷۰.
- ۶- م. گرگانی، سیاست شوروی در ایران، تهران، ۱۹۴۹ - ۱۹۴۸، ص ۵۴
- ۷- شورای کارگران مهاجر ایرانی که پس از انقلاب فوریه در باکو تشکیل شد. این شورا زیر نفوذ حزب عدالت قرارداشت.
- ۸- ایزوستیا، (باکو) ۱۹۱۸. ۰۲ (۵) ۲۰
- ۹- آ. ای میکویان در طول مبارزه م. ۱۹۷۱، ص ۱۳۰
- ۱۰ - همت، ۱۹۱۸. ۳۰۰۵ نقل قول از بلشویک‌ها در مبارزه برای پیروزی انقلاب سوسیالیستی در آذربایجان.
- ۱۱ - نگاه شود. آ. ای. میکویان. همانجا ص ۳۳۵، ۳۳۳
- ۱۲ - کمونیستی چسکی انترناسیونال. شماره ۱۰، ۱۹۱۹. ص ۱۲۴

- ۱۳ - ج. ب. قلی اوف، اثر یاد شده. ص ۲۶۱
- ۱۴ - تسه. پ. آ. آی. م. ل. ف. ۱۷ اوپ ۶۵، ی د. خر. ۳۷، ل ۳۷
- ۱۵ - برای شرح بیشتر. نگاه شود به آ. آی. میکوبان اثر یاد شده صص ۴۵۷ - ۴۵۶
- ۱۶ - سازمان کمونیستی عدالت برای بسط فعالیت خود و با در نظر گرفتن مسائل تاکتیکی، از اواسط پاییز ۱۹۱۹ زیر نام حزب کمونیست ایران عدالت فعالیت کرد. (نگاه شود به ج. ب. قلی اوف اثر یاد شده ص ۴۵۸)
- ۱۷ - تسه. پ. آ. آی. م. ل. ف. ۵۸۳، اوپ ه. د خ ر. ۴۲، ل ۲۲، ۳۲، ۶۵
- ۱۸ - همان جا ی د. خ ر. ۱۲، ل، ۱۳۰ - ۱۳۱
- ۱۹ - (نامفهوم است)
- ۲۰ - نگاه شود به م. آ. پرستس، انترناسیونالیست‌های شرقی در روسیه و برخی از مساذل جنبش آزادی بخش ملی - در کتب «کمینترن و شرق» م.، ؟ ۱۹۶ ص ۶۶
- ۲۱ - رجوع شود به آی. سلو گويف، کمونیست‌های خارجی ترکستان (۱۹۲۱ - ۱۹۱۸)، تاشکند ۱۹۶۱، آ. م. ماتوف، اکتبر کبیر و شرکت مهاجران شرقی در جنبش کم‌نیستی آسیا میانه - نارودی آزی یی‌ای آفریکی، ۱۹۶۹ شماره ۲
- ۲۲ - ایزوستیا (تاشکند) ۱۹۲۰ - ۲ - ۲۴ در «گزارش کوتاهی راجع به فعالیت حزب کمونیست ایران عدالت، نوشته عضو سازمان تشکیلاتی م. علی قلی اوفمده است که در ۲۱ مارس ۱۹۲۰ حزب عدالت دارای بیش از ۷۰ هزار عضو است. نگاه شود به تسه. گ. آ. اوپ. ف ۵۴۵۲. ی د خ ر. ۵۰۲ ل ۱. به احتمال قوی در چاپ عدد فوق اشتباه رخ داده است. (۷۰ هزار)
- ۲۳ - در متن فتوکپی شده چا افتاده است.
- ۲۴ - «نیات انقلاب» (ناقوس انقلاب) ۱۹۲۰ - ۳ - ۲
- ۲۵ - «نیات انقلاب» (ناقوس انقلاب) ۱۹۲۰ - ۴ - ۱۵
- ۲۶ - ایووستیا، تاشکند ۱۹۲۰ - ۵ - ۱۴
- ۲۷ - ژیزن ناسیونال نویسته، ۱۹۲۰ - ۸ - ۱
- ۲۸ - نیات انقلاب، ۱۹۲۰ - ۲ - ۲
- ۲۹ - ایزوستیا، تاشکند ۱۹۲۰ - ۱۰ - ۱۵
- ۳۰ - برای شرح بیشتر در این باره نگاه شود به م. آ. تارپوردی، آ. آی. مارگراموف (شام) حیدر خان عمو اوغلیتاروردی. آزی‌ای ای آفریکی. (ملل آسیا و افریقا) ۱۹۷۱ شماره ۵
- ۳۱ - رجب بمبی - لقب حیدر خان بود.
- ۳۲ - در متن فتوکپی شده جافتاده است.
- ۳۳ - تسه. گ. آ. او، ف ۵۴۰۲، ید. خ ر. ۵۰۲، ل ۲
- ۳۴ - تسه پ آی م ل ف ۵۸۳ اوپ. ۱، ی د. خ ر. ۱۱. ل ۳۳ - ۳۴ همان جا، ی د. خ ر. ۱۹۳، ل ۱۲۳ همان جا ف ۱۲۲ اوپ ۱، ی د. خ ر. ۱۰، ل ۲۵ ۲۵

کارگران ایرانی در جنگ داخلی روسیه

- ۳۵ - تسه. گ. آ. او. پ. ف. ۵۴۰۲، ی. د. خ. ر. ۵۰۲. ل ۲
- ۳۶ - تسه. پ. آ. آی. م. ل. ف. ۵۸۳، اوپ. ا. ی. د. خ. ر.
- ۳۷ - همانجا، ی. د. خ. ر. ۱۲، ل ۵۸
- ۳۸ - ژیزن ناسیونال نویستی، ۱۹۱۹، ۲، ۲۳
- ۳۹ - تسه. پ. آ. آی. م. ل. ف. ۱۷، اوپ. ۶۵، ی. د. خ. ر. ۹۰، ل
- ۴۰ - اکثریت مهاجرین ایرانی به زبان آذربایجانی سخن می‌گفتند
- ۴۱ - نگاه شود به م. گ. راژین. «انقلابیون ایران در ترکستان هنگام جنگ داخلی روسیه ...» بقیه این سطر در متن فتوکپی جا افتاده است.
- ۴۲ - ایزوستیا
- ۴۳ - همانجا
- ۴۴ - تسه. پ. آ. آی. م. ل. پ. ۶۴، اوپ. ۲، ی. د. خ. ر. ۲۹۰، ل. ۶۵، همانجا ف. ۱۷، اوپ. ۶۵، ی. د. خ. ر. ۴۰۰، ل ۲۷
- همانجا ف. ۶۴، اوپ. ۲، ی. د. خ. ر. ۲۹، ل ۲۶ - ۲۵، «کمونیست» باکو ۱۹۲۰/۷/۴، پراودا ۱۹۲۰/۴/۲۵
- ۴۵ - تسه. پ. آ. آی. م. ل. ف. ۵۸۳، اوپ. ۱، ی. د. خ. ر. ۱۲۰، ل ۱۸۳ - ۱۸۲
- ۴۶ - همانجا، ی. د. خ. ر. ۱۹۳، ل ۲۱۴، ۲۸۰
- ۴۷ - تسه. پ. آ. آی. م. ل. ف. ۱۷، اوپ. ۶۵، ی. د. خ. ر. ۴۱۷، ل ۴
- ۴۸ - در متن فتوکپی شده جا افتاده است.
- ۴۹ - در متن فتوکپی شده جا افتاده است.
- ۵۰ - تسه. پ. آ. آی. م. ل. ف. ۵۸۳، اوپ. ۱، ی. د. خ. ر. ۳۵، ل ۳۰
- ۵۱ - «همکاری رزمی زحمتکشان کشورهای خارجی با ملل روسیه شوروی، (۱۹۲۲-۱۹۱۷) مسکو، ۱۹۵۷، صص ۴۱۵-۴۱۲
- ۵۲ - ج. ب. گولیف، اثر یاد شده، صص ۳۶۹
- ۵۳ - کمونیست (باکو). ۲۳/۷/۱۹۲۰، گ. ب. «به مناسبت دهه شکست انقلاب گیلان» «بولتن نشریات شرق میانه» شماره ۱۳/۱۴، ۱۹۳۲، صص ۱۸